

# با دنیای دیوانگان

## آشنا شوید

وقتی تلاشها و کوششهای انسانی در رسیدن بهدفعهای عالی به غیر قابل شکننده‌ای برخورد کرد که گذشتن از آن مشکل و با غیر ممکن بود. در ما ایجاد حالات دیوانگی میکند.

مواعنی که موجب ناکامی و در نتیجه بروز امراض متعدد روانی می‌شود ممکن است از محیط اجتماعی، محیط سیاسی، محیط فرهنگی محیط اقتصادی، و یا نقائص شخصی از گانیکگی و یا ناتوانی‌ها در حل تعارضات روانی خود باشد. درجه تحمل مشکلات در انسانها متفاوت است. برخورد با حد معینی از ناکامی و شکست ممکن است بعضی را از لحاظ روانی خود نابود کرده آنها را روانه دیوانه‌خانه نماید و حال آنکه دیگری همان مشکلات را با آسانی بپذیرد. افرادی که تحمل بدبختیها و ناکامیها و شکستها و تبعیضها در آنها کم است ممکن است در برخورد با فشارها جهت سیر طبیعی و منطقی خود را گم کنند و دست باعمال و رفتاری زنند که آنان را از هدف اصلی خود میلیونها فرسنگ دورتر نماید. یکی از اولین و پیش‌یا افتاده‌ترین عکس‌العملهای اینگونه انسانها دیوانه‌گری است در برخورد با تبعیضها و بی‌عدالتیهای اجتماعی

گاه به بهانه‌هایی متوسل می‌شویم و سنگرهای اختیاری می‌کنیم که وظیفه اصلی آن حل مشکل نیست بلکه دفاع از حرمت ذات است. این تدابیر در اصطلاح روان شناسی و جامعه شناسی مکانیزمهای دفاعی خوانده میشوند. خیالبافی و منفی‌گری یکی از این وسیله‌هاست. در خیالبافی و منفی‌گری غالباً ما آرزوهای سرگرفته خود را برآورده می‌بینیم بر بالهای تخیل بجای تلاش بیشتر از واقعیات می‌گریزیم. در آزمایشهائی که توسط روان‌شناسان تا کنون انجام شده است دیده‌اند که منفی‌بافی تابع امیال و آرزوهای برآورده نشده شخصی است.

دلیل‌تراشی یکی دیگر از این وسایل دفاعی است. در دلیل‌تراشی می‌کوشیم بجای تلاش برای رسیدن به هدفهای مقدس اجتماعی برای اعمال منفی خود دلائلی بیابیم که فقط نزد عقل خودمان پسندیده باشد. دیوانگی یعنی انگیزه‌ها و امیال فردی و اجتماعی را منکرشویم و از وجود آنها غافل بمانیم. متلاشی کردن و در نتیجه فراموشی خود اساس عده‌ای از امراض روانی است.

بدبختیها و ناراحتیهای جسمی و روانی همیشه در اجتماعات اولیه انسانی وجود داشته‌است ولی بتحقیق ما از تعداد افراد مبتلایان بمرض دیوانگی در گذشته اطلاع صحیحی نداریم تا با وسایل آماری که در جهان امروز از دیوانه‌ها بدست می‌آید مقایسه کنیم. ولی با اینهمه از بررسی کتب تاریخی و فلسفی و شرح بیوگرافی بعضی از افراد که از گذشتگان بیاد کار مانده است چنین بر می‌آید که در هیچکدام از ادوار مختلف تاریخ مرض دیوانگی و تعداد مبتلایان بآن بشدت و کثرت امروز نبوده است.

بدیهی است که غیر از اینهم نمیتوانست وجود داشته باشد برای اینکه در هیچ زمانی عواملی که بر مغز و اعصاب و رگ و بی انسان فشار می آورند و سبب هزاران هزار نابسامانیهای مختلف و انقلابات فکری و روحی میگردند مانند عصر فعلی نبوده است

گذشته از حوادث دلخراش اجتماعی و فردی، احتیاجات روز-افزون انسانی که بر آوردن آنها غالباً غیر ممکن و یا حد اقل مشکل است و از طرف دیگر رقابتهای دشمنانه و مسابقات غیر منطقی، جنگهای روانی و توجه بعظمت جهان بیکران و امرار بشمار آن که دامنه اش بر اثر پیشرفت و توسعه تمدن ماشینی پیوسته بزرگتر و بزرگتر می گردد و آدمیان را هر روز دیوانه تر از گذشته می سازد... کلیه مسائل فوق است که باسانی می تواند تعادل جسمی و روانی انسانها را متلاشی کند و موجبات بدبختیها و پیریشانیها و در نتیجه دیوانگی نماید. علل دیگری که مهم تر از عوامل بالاست و اثرش اگر از مسائل فوق بیشتر نباشد حتماً کمتر نیست و بهر حال در موقعی که بر آنها جمع شود تأثیرش صد چندان خواهد شد. این عوامل پیدایش فلسفه ها و ایدئولوژیهای جدید است از کمونیسیم گرفته تا اکزیستانسیالیسم (مذهب اصالت وجود) همه اینها برای واژگون ساختن و از بین بردن جدول ارزشهای اخلاقی کمک فراوان و شایانی کرده اند آزادی کامل و بدون قید و شرط در انکار علنی وجود پروردگار عالم و پشت یازدن به کلیه اصول و موازین اخلاقی و اجتماعی که طی قرون متمادی مورد احترام و رعایت انسانها بوده از بین رفته و کلیه اینها کافی است که ما را متلاشی نموده بجنون روی آوریم.

نا تمام